

تلك الدار الاخره نجعلها للذين لا يريدون علوا في الارض ولا فسادا والعاقبه للمتقين (قصص- 83)

ما بهشت ابدی را برای آنان که در زمین برتری و فساد نمی کنند مخصوص گردانیده ایم و حسن عاقبت خاص پرهیزگاران است .

در عرصه سیاسی-اجتماعی و فرهنگی ایران در بیش از یکصدسال اخیر شخصیت‌ها و فعالان و کنشگران بسیاری حضور داشته‌اند که چه در زمان خود و چه در سال‌های بعد از فقدان، از آنها به نیکی یا جزآن یاد شده است.

چه ویژگی‌هایی است که فردی را در نظر اکثر ساکنان یک سرزمین و حتی در فرای مرزهای آن جاودان می‌کند. به عنوان مثال به نام‌هایی همچون گاندی، نهری، ماندلا، چه‌گوارا، مصدق، شریعتی و... نگاه کنید که سال‌ها از مرگ آنها می‌گذرد، ولی هنوز چه در میهن خودشان و چه در سراسر جهان از آنها به عنوان اسطوره‌های ملی، میهنی و انسانی نام برده می‌شود. چه ویژگی در این افراد وجود داشته است که آنها را جاودان کرده است. البته در میان ما ایرانیان در کنار افرادی که شهرت جهانی دارند بزرگان دیگری هم بوده‌اند که در این چهارچوب قرار دارند. شخصیت‌هایی همچون میرزا تقی‌خان امیرکبیر، میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، آیت الله سید حسن مدرس، ستارخان، میرزا کوچک خان، مهندس بازرگان، سحابی‌ها، دکتر چمران، آیت الله طالقانی، آیت الله منتظری، محمد حنیف نژاد، غلامرضا تختی و...

چه عامل و یا عواملی این دسته افراد را در خاطره مردم باقی نگاه داشته است تا به آنجا که با گذشت بیش از یک قرن در مورد برخی هنوز نام آنها را در پس ذهن خود باقی نگاه داشته اند و یاد آنها برایشان غرور انگیز است.

ناگفته پیداست که شخصیت‌های دیگری نیز در این برهه از تاریخ ایران بوده‌اند که در زمان خود و بعد از آن هوادارانی داشته اند ولی آنچه که نامبردگان در بالا را از این گروه اخیر

مجزا می‌کند این است که عموم کسانی که حتی در صف مخالف آنها قرار داشته و دارند به رغم مرزهای ایدئولوژیک - سیاسی با آنها بر ویژگی های ممتاز آنها اذعان دارند.

مرحوم مهندس عزت‌الله سحابی از جمله این دسته شخصیت‌های سیاسی - اجتماعی ایران است که همگان و حتی مخالفان سیاسی وی و یا کسانی که در دوره‌ای دستور بازداشت و "کم کردن روی" وی را داده بودند، یاهمان هایی که در زمان-هایی سخت بر وی و همفکرانش تاخته بودند، نیز به هنگام داوری درباره شخصیت وی، او را انسانی متدین، منصف، آزادی-خواه، دوستدار ایران، پاک و سلامت به لحاظ فردی و اجتماعی قلمداد کرده‌اند.

در یک نگاه کلی می‌توان به این جمع‌بندی رسید که آنچه بیش از همه موجب این ماندگاری می‌شود نه فقط دانش یا عملکرد سیاسی - اجتماعی بلکه منش افراد در عرصه زیست فردی و فعالیت سیاسی - اجتماعی آنها است که ارزش فعالیت‌های آنها و نیز تاثیر و اثرگذاری آن فعالیت‌ها را در نزد جامعه دوچندان و آنها را شخصیت‌هایی پایا و مانا کرده است.

عزت‌الله سحابی از دوران جوانی پا به عرصه فعالیت‌های سیاسی گذاشت و این روش و منش را تا پایان عمر خود ادامه داد و هیچگاه از تلاش برای اصلاح جامعه خود غافل نماند. او در جریان فعالیت بیش از شصت ساله خود با جریان‌ها و افراد متعددی ارتباط داشت و با آن که خود فردی مصدقی و مذهبی بود با فداییان اسلام، نیروهای ملی، روحانیان مبارز، مجاهدین خلق، گروه‌های چپ و مارکسیست ارتباط داشت.

سحابی فردی معتقد و مقید به شعائر مذهبی بود بر اساس آموزه‌های مذهبی به راه سیاست و فعالیت اجتماعی گام گذاشته بود. خود وی در این باره می‌گوید: «به عنوان مثال بنده خودم در تمام این چهل و پنجاه سال که در این راه هستم عقاید و شعائر دینی مانند این دعاها و ... بنده را زنده نگه داشته است و گرنه در این مدت بنده آن قدر بالا و پائین دیده‌ام و شکست خورده‌ام که تا الان باید چند بار همه چیز را کنار می‌گذاشتم و ترک می‌کردم. و وقتی که آن انگیزه‌های دینی یک حرکت از بین می‌رود، آن حرکت دیگر خصلت مداوم و زنده بودن خودش را از

دست می‌دهد. به نظر من یک علت این‌که نوگرایی بعد از شریعتی و در این اواخر درجا می‌زند، برای این خاطر است که آن منبع تغذیه دینی‌اش را رها کرده است.»

آموزه‌ها وانگیزه‌های دینی و وبه تبعیت از آن احساس مسئولیت درباره سرنوشت انسان‌ها و نیز تعلق خاطر شدید به ایران علاوه بر تاثیرات فکری در منش و اخلاق و روحیات فردی و مبارزاتی مهندس سبحانی نیز تاثیر اساسی برجای گذاشت. همچنان که در نقل قول بالا از خود وی دیدیم نخستین تاثیر این آموزه‌ها ایستادگی بر سر آرمان و ایجاد مانع بر سر انفعال او علی‌رغم شکست‌های متعدد در این راه بود.

سحابی این منش را تا پایان عمر حفظ کرد.

ویژگی دیگر منش سحابی احترام به کرامت انسان‌ها به طور کلی و از جمله در عرصه فعالیت‌های اجتماعی بود. در نگاه او هر فرد جدای از آن اندازه‌هایش فی نفسه دارای ارزش خاص خود بود. ارزشی که خداوند به دلیل انسان بودن به او عطا کرده بود. همین منش سبب می‌شد تا در برخورد و ارتباط با دیگران سوای از منصب و جایگاه یا مدرک تحصیلی و سن و سوابق مبارزاتی فرد، برای او این ارزش را قائل باشد که با وی ارتباط برقرار کرده وبه نظرات وی با دقت گوش دهد و در صورت لزوم با او در زمینه‌های مختلف به کار بپردازد.

نمونه بارز این منش را می‌توان در قول همکاری سحابی به بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق مشاهده کرد. در سال‌های پایانی دهه 1340 زمانی که محمد حنیف‌نژاد از او برای همکاری تئوریک با سازمان مجاهدین دعوت کرد، سحابی به رغم آنکه از لحاظ سنی و سابقه سیاسی با حنیف-نژاد فاصله داشت ولی با کمال میل دعوت او را قبول کرد. بعد از پیروزی انقلاب نیز سحابی با جمع‌هایی جوان‌تر و کم سابقه‌تر از خود ارتباط دائم و همیشگی داشت.

ویژگی دیگر منش مبارزاتی سحابی علاوه بر ایستادگی در امر مبارزه اجتماعی و سیاسی و کنار گذاشتن خصلت‌های فردی، صراحت در بیان و شجاعت در طرح دیدگاه‌های خود بود. او هرگاه به موضوعی یا نکته‌ای می‌رسید که طرح آن را در سطح جامعه یا در سطحی

محدودتر ضروری می‌دید بدون ترس از عواقب و پی‌آمدهای احتمالی آن به طرح مساله و موضوع می‌پرداخت. به عنوان مثال در سال 1358 در جریان طرح اصل ولایت فقیه در مجلس خبرگان، به جز انتقاد از آن در جریان مذاکرات مجلس مزبور، در مراسم شب هفتم آیت‌الله طالقانی در ترمینال جنوب تهران به نقد آن پرداخت و دیدگاه‌های خود را درباره آن بیان کرد. این در حالی بود که می‌دانست در فضای آن روز ایران طرح این موضوع برای او بدون پیامد نخواهد بود.

این نوع صراحت و شجاعت در جریان حضور او در مجلس شورای اسلامی و بعد از آن در نامه‌ها و یا اعلامیه‌هایی که در باره موضوعات روز بود نیز دنبال شد.

مطالب و موضوعات طرح شده در نشریه ایران فردا که از سال 1370 تا سال 1379 منتشر شد نیز گواه بر این منش بود. سحابی 70 اسله در آن دوران بارها و باره به دلیل انتقاد از وضع موجود به دادگاه مطبوعات احضار و محاکمه شد و باز هم این مساله موجب نشد تا از نقد عملکرد و دیدگاه‌هایی که به نظرش باید تغییر می‌کرد دست بردارد.

نیز از جمله در مجله ایران فردا از وسوی او دوستانش درپیش گرفته شده بود را اصلی اساسی و مبنای زیست انسانی می‌دانست و معتقد بود که برای نیل به این اهداف باید با همه نیروهای اصیل ارتباط داشت.

با این حال در روش و منش او تنها نقد قدرت نبود که باید به آن می‌پرداخت. او در برخورد با دوستان و همفکران و همراهان خود نیز همواره نقد مشفقانه و البته صریح و بی‌پرده را کنار نگذاشت. نخستین نقدهای او در عرصه مبارزه بر آرا و دیدگاه‌های سیاسی و اقتصادی استاد و معلم خودش مهندس بازرگان بود که به گفته خودش از دوران زندان قصر در دهه 1340 صورت گرفت

بعد از پیروزی انقلاب انتقاداتی که او به عملکرد نهضت آزادی داشت در یک جزوه مفصل منتشر شد. چندی بعد از آن او در راس جریانی قرار گرفت که در انتقاد به دیدار مهندس

بازرگان و هیات همراهش با برژینسکی مشاور امنیت ملی امریکا از نهضت آزادی ایران استعفا کرد.

ویژگی دیگر مهندس و منش مبارزاتی او اعتقاد اساسی و همیشگی به بحث انتقاد از خود بود . منشی که در بسیاری از فعالان اجتماعی کمتر به چشم می‌خورد . صداقت سحابی در این زمینه موجب می‌شد که در صورتی که به اشتباه خود پی می‌برد بدون هرگونه پرده پوشی نظر و دیدگاه خود را نقد می‌کرد و این نوع رفتار و منش را سبب ارتقا خود و طرف مقابل خود می‌دانست.

در منش سحابی ، شهرت، قدرت، سرخم کردن در برابری عدالتی و استبداد جایگاهی نداشت. اگر اقدامی برای حفظ مبانی اخلاقی، حفظ ارزش های الهی و حفظ منافع ملی و تمامیت ارضی ایران و رفاه و آسایش مردم ضروری بود تعلل در انجام آن هیچ توجیه و دلیلی نداشت.

وسرانجام یکی دیگر از وجوه منش مبارزاتی در نزد مهندس سحابی باید به از خودگذشتگی اشاره کرد. سحابی بارها در جریان بازداشت‌های خود د ر دوره مبارزه علیه رژیم شاه در مقابل بازجویان با قبول همه مواردی که در پرونده وجود داشت تلاش می کرد تا دوستان و همراهان خود را از بازداشت و عواقب آن باز دارد. نخستین بازداشت او در سال 1333 رخ داد. اتهام او توزیع نشریه "راه مصدق" بود که در یک مقطع ارگان نهضت مقاومت ملی بود. ماموران فرمانداری نظامی بعد از بازداشت و جستجوی خانه ،وی را به همراه مدارک جمع آوری شده به زندان منتقل کردند و بلافاصله بازجویی ار شروع کردند. سحابی با آن که در ان زمان نقش چندانی در تهیه و نگارش مطالب آن نشریه نداشت ولی در بازجویی تمام مسئولیت نشریه مزبور اعم از تهیه و نگارش مقالات ؛ هزینه‌های چاپ و توزیع را یک‌تنه بر عهده گرفت و بهرغم آزارهایی که دید از موضع خود عدول نکرد. در همان بازجویی‌ها هنگامی‌که سروان سیاحتگر بازجوی فرمانداری نظامی از وی خواست کسانی که با او در ارتباط بودند را معرفی کند؛ با قرآن استخاره‌ای کرد و این آیه: " و ان جادلوك فقل الله اعلم بما

تعلمون " را به سیاحتگر نشان داد. به او گفت من از قرآن استخاره کردم که ببینم این مطالبی را که شما می‌خواهید بگویم یا نه و قرآن پاسخ داده نگو ... سیاحتگر عصبانی شد و با سرهنگ زیبایی مشورت کرد و هر دو به این نتیجه رسیدند که: "نخیر این آقا آدم نمی‌شود او را تحویل لشکر دو زرهی بدهید.

سحابی در سال 1350 باردیگر بازداشت وزندانی شد. اتهام او ارسال نامه برای دوستان خود در خارج از کشور و درخواست آنها برای فعالیت علیه رژیم شاه و ممانعت از محکومیت مبارزان بود. این نامه در جریان انتقال به خارج از کشور توسط ماموران ساواک کشف شد و یکی از کسانی که در این رابطه دستگیر و بازجویی شد مهندس محمدتوسلی بود. به گفته مهندس توسلی: «مهندس سحابی ربای من توضیح داد که بعد از بازداشت من با احتمال این که من جریان را در بازجویی گفته‌ام، هیچ چیز را تکذیب نکرده و از موضع بالا و با شجاعت با ابرجویان برخورد کرده و همه چیز را گردن گرفته است.»

این ویژگی‌ها و منش بود که همه کسانی که از دور و نزدیک او را می‌شناختند بهرغم اختلافات فکری و سیاسی همواره از او به نیکی یاد می‌کنند. ورزنامه‌های کشور بعد از درگذشت وی شاهد نشر یادداشت‌ها و متن‌های تسلیت متعدد به ناسبت فقدان او بود. یادداشت‌هایی که نه فقط از سوی دوستان و همفکران سحابی که برخی از ائمه به قلم مخالفان فکری و سیاسی او بود.

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق      ثبت است در جریده عالم دوام ما

کانال ایران فردا خرداد 1402